

## تکیه گاه سست



سرگرد  
سمانه موریانی  
معاون اجتماعی پلیس  
تیش آگاهی تیران بزرگ

دخترک به سختی روی پا بند می‌شد. آثار و عوارض ترک مواد کاملاً در نگاه و رفتارش مشخص بود. از او خواستم برایم از زندگی‌اش بگویند. دخترک نگاهی به مادرش انداخت و گفت: من حاصل ازدواج اول

مادرم بودم و ناپدری‌ام هیچ وقت مرا نخواست. از کودکی همیشه مورد آزار و اذیت و ضرب و شتم او قرار می‌گرفتم. ۱۶ ساله که شدم مادرم مرا به خانه یکی از دوستانش به نام فریده برد که در ظاهر آرایشگاه زنانه ولی در واقع محل ملاقات زنان خیابانی و مشتریان‌شان بود. چند روزی را آنجا بودم تا این‌که یکی از مردانی که به آنجا تردد داشت به من ابراز علاقه کرد و با وجود این‌که ۲۴ سال از من بزرگ‌تر بود، گفت قصد دارد با من ازدواج کند. با وعده و وعیدهایش مرا فریب داد و همراه او از خانه فریده فرار کردم. بی‌خبر از این‌که او تنها قصد دارد مدتی از من سوءاستفاده کند. برای این‌که بتواند مرا در کنار خودش نگه دارد به مواد مخدر آلوده‌ام و با این ترفند به خودش وابسته کرد. به خاطر نیازم به مواد مخدر در کنارش ماندم.

حتی اگر می‌خواستم از او فاصله هم بگیرم، نه جایی برای رفتن و نه پولی برای تأمین مواد داشتم. همیشه احساس می‌کردم سربار هستم و حالا نیز بی‌پناه و بی‌پشتوانه باید کنار مردی می‌ماندم که تنها به خاطر برطرف کردن نیازهای کثیف خودش به من وعده ازدواج داده بود. مدتی را با او در یک خانه قدیمی در یکی از مناطق بدنام شهر زندگی کردم تا این‌که مأموران پلیس آگاهی که به دنبال اعلام فقدان من توسط مادرم در جست‌وجویم بودند و از راه رسیدند و مرا از چنگال این مرد هوسباز نجات دادند. از این‌که از زندان این مرد رها شدم خوشحالم اما نمی‌دانم با اعتیاد چه کنم و با مادری که نمی‌تواند مرا به خانه خودش ببرد. من هنوز هم بی‌پناهم....

## نظریه کارشناس

شما با یک امضا می‌توانید نسبت خود و همسران را از شناسنامه و زندگی‌تان پاک کنید اما تا همیشه نسبت به موجودی که به این دنیا آورده‌اید مسئولید و نمی‌توانید زمانی که قصد دارید تصمیم جدی مانند ازدواج مجدد بگیرید شرایط و آینده او را نادیده گرفته و او را به دست توفان حوادث و اتفاقات نامعلوم بسپارید.

## فقط اموال مالباخته مهم بود

## ۱ از چه افرادی زورگیری می‌کردید؟

فرقی نداشت. هرکسی که پول زیادی داشت، گوشی‌اش خوب بود یا طلا همراهش بود زورگیری می‌کردیم. سن برایمان مهم نبود، مثلاً از پیرمرد ۶۵ ساله هم زورگیری کردیم تا جوان ۲۰ ساله، اموال مالباخته مهم بود.

## ۲ با همدستانان چگونه آشنا شدی؟

دو نفر در زندان و یکی از آنها بچه محل مان بود. همدستانم ۲۷، ۳۰ و ۴۰ ساله هستند.

## ۳ چگونه دستگیر شدید؟

آدم سابقه دار گاو پیشونی سفید است و اگر دست به ارتکاب جرم بزند زود شناسایی می‌شود. ما هم از روی چهره‌نگاری شناسایی شدیم و پلیس سراغ مان آمد و با دستگیری دو عضو باند، من و یکی از همدستانم دستگیر شدیم.

## ۴ باز هم دست به سرقت می‌زنی؟

من با این سابقه راهی جز دزدی و زورگیری ندارم.

## ۱ از چه افرادی زورگیری می‌کردید؟

فرقی نداشت. هرکسی که پول زیادی داشت، گوشی‌اش خوب بود یا طلا همراهش بود زورگیری می‌کردیم. سن برایمان مهم نبود، مثلاً از پیرمرد ۶۵ ساله هم زورگیری کردیم تا جوان ۲۰ ساله، اموال مالباخته مهم بود.

## ۲ با همدستانان چگونه آشنا شدی؟

دو نفر در زندان و یکی از آنها بچه محل مان بود. همدستانم ۲۷، ۳۰ و ۴۰ ساله هستند.

## ۳ چگونه دستگیر شدید؟

ما که با چاقو ضربه نمی‌زدیم، وقتی با موتور دو ترک می‌رفتیم و مالباخته را دوره می‌کردیم که با دیدن چاقو خودش بدون مقاومت اموالش را می‌داد. ما هم فقط برق چاقو را نشان می‌دادیم و از آن برای آسیب به دیگران استفاده نمی‌کردیم.

## آدرینا ایرانمنش گروه تیش

پیر یا جوان باشد؛ همه اموال باارزش او را با تهدید چاقو سرقت می‌کردند. همگی سابقه‌دار هستند اما بعد از افزایش زورگیری‌هایشان از سوی پلیس دستگیر شدند. در ادامه گفت‌وگو با سرکرده باند را می‌خوانید.

## ۱ خود را معرفی کن.

محمود ۴۷ ساله هستم.

## ۲ سابقه داری؟

بله. چهار بار به اتهام زورگیری و سرقت دستگیر شدم.

## ۳ رئیس باند بودی؟

ما رئیس نداشتیم، چون بزرگ‌تر بودم به حرفم گوش می‌کردند و اموال سرقتی را من تقسیم می‌کردم.

## فیلم جنجالی گرفتارمان کرد

فیلم درگیری‌شان خیلی زود در فضای مجازی منتشر و فراگیر شد. در توضیح فیلم آمده بود که دو اراذل و اوباش کارگر یک قهوه‌خانه را با چاقو مجروح و از آنجا فرار کردند. یک روز بعد و با انتشار گسترده فیلم، پلیس توانست متهم را دستگیر کند. در ادامه گفت‌وگوی منتشر شده با این متهم را می‌خوانید.

## ۱ ولی در فیلم تنها نبودی؟

برادرم بود. وقتی فهمید درگیر شدم به کمکم آمد و او هم مرد کارگر را زد.

## ۲ بعد چه کردید؟

به خانه آمدیم و دو ساعتی در خانه بودیم که فکر دوربین مداربسته افتادیم. نصف شب برای بردن دوربین و پاک کردن فیلم به آنجا رفتیم که متوجه شدم هارد را به جای دیگری منتقل کردند، چون می‌ترسیدیم پلیس خبر کنند سریع برگشتیم خانه و خوابیدیم.

## ۳ کجا دستگیر شدی؟

سه روز بعد از درگیری و یک روز بعد از انتشار فیلم، مأموران پلیس داخل خانه ریختند و به همراه برادرم دستگیرمان کردند.

## ۴ سابقه داری؟

بله. سابقه نزاع و درگیری دارم. بالاخره ما در محله خود اسم و رسم داریم و از ما حساب می‌برند.

## ۵ پشیمان نیستی؟

نباید با او درگیر می‌شدم.

درگیری‌شان خیلی زود در فضای مجازی منتشر و فراگیر شد. در توضیح فیلم آمده بود که دو اراذل و اوباش کارگر یک قهوه‌خانه را با چاقو مجروح و از آنجا فرار کردند. یک روز بعد و با انتشار گسترده فیلم، پلیس توانست متهم را دستگیر کند. در ادامه گفت‌وگوی منتشر شده با این متهم را می‌خوانید.

## ۱ چرا با کارگر قهوه‌خانه دعویاتان شد؟

او خیلی پررو بود و پولی را باید می‌داد که نداد. او ادعا کرده من باج می‌خواستم که این دروغ است. به من گیر داد و جلوی در دعویامان شد. بعد به پایین فرار کرد و داخل قهوه‌خانه شد. من هم دنبالش رفتم و بقیه را خودتان در فیلم دیدید.

## ۲ توضیح بده چه اتفاقی افتاد؟

حالم دست خودم نبود و از عصبانیت شروع به کتک زدن او کردم.

## ۳ چرا چاقو کشیدی؟

عصبانی بودم و چاقو را از جیبم درآوردم و چند ضربه اول با پخی چاقو زدم که بترسد و بگوید غلط کردم، اما او مقاومت کرد. بعد با سمت تیز چاقو چند ضربه به او زدم که پشت سرش، دست و پایش پاره شد. در آن حالت رهایش کردم و از قهوه‌خانه خارج شدم.

## ۴ کسی به کمکت نیامد؟